

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا  
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۸۰ تا ۹۴  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

## شناسایی عناصر تاثیر گذار بر جرم و جنایت از رویکرد امنیت داخلی و راهکارهای پیشگیری آن در جامعه (ابعاد و رویکردها)

| آرزو ابراهیم نیا خانیکی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد ماهدشت، البرز، ایران.  
| حکیمه السادات میر رفیعی\* | دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد سمنان، ایران.

| شیوا جامه بزرگی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.  
| سمیرا رستم آبادی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.

### چکیده

همزمان با رشد فیزیکی و اجتماعی شهرها به ویژه در مناطق مرکزی و حاشیه ای شهرهای بزرگ جرائم و آسیب‌ها نیز افزایش یافته است. به طوری که با بالا رفتن اندازه و وسعت شهرها میزان جرائم نیز بالا می‌رود و بر ابعاد کمی و کیفی آن افزوده می‌شود. تبعات منفی این افزایش، مسئله تنظیم روابط انسانی سالم و سازنده ساکنان شهرها را با محیط زندگی شان با دشواری مواجه ساخته است. رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین افزایش طبیعی جمعیت، مشکلات عدیده ای را به وجود آورده است. شهرهای بزرگ را محیط‌های نامناسب و انبوهی جمعیت آنها را مایه رفتارهای نابهنجار دانسته اند. میزان جرائم شهری با درجه توسعه شهر رابطه دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری میزان جرائم افزایش می‌یابد. در پژوهش‌های مختلف مشخص شده است که رابطه مستقیمی بین شرایط اجتماعی و اقتصادی و محله های جرم خیز وجود دارد. با وجود مطالعات حقوقی و ظرفیت سازی‌های نهادی جدید انجام شده، هنوز بخش قضایی در جلوگیری از جرایم از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است. ما در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که عناصر تاثیر گذار بر جرم و جنایت چه تاثیری بر امنیت داخلی و ملی دارد؟ می‌توان گفت مبنای مدیریت پیشگیری از ناآرامی‌های مدنی، اختیارات و توانایی‌های نیروی انتظامی در پیشگیری از اغتشاشات اجتماعی است. بنابراین پلیس به دلایل داشتن اختیارات و ابزار ویژه و لازم می‌تواند نقش مهمی در کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جامعه باید داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** جرم، مدیریت، پیشگیری، نظم و امنیت، پیشگیری، امنیت داخلی.

\* نویسنده مسئول: hakimemirrafiee63@gmail.com

### مقدمه

امنیت یکی از مهم ترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب در طراحی شهری است. در واقع می توان گفت، وجود محیطی امن برای زندگی از ضروریات و نیازهای اصلی انسان می باشد. احساس ناامنی در محیط و نگرانی های ناشی از مکان های ناامن، سایر فعالیت های انسانی را تحت شعاع قرار داده و امور اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و غیره به درستی انجام پذیر نخواهد بود. امنیت به حفاظت از اشخاص و دارایی های آنها بر می گردد. کمبود امنیت، احساس خطر و ترس از جرم و جنایت موجب کاهش استفاده از عرصه های همگانی و عدم کارایی محیط های شهری می گردد. بنابراین می توان گفت، ایجاد احساس امنیت و ایمنی لازمه موفقیت طراحی شهری می باشد. احساس امنیت یکی از اصلی ترین عوامل پایداری فضاهای شهری به شمار می رود و بدون احساس امنیت هیچ فضای شهری عرصه حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان نخواهد بود. از اینرو دانش طراحی شهری خود را ملزم به برقراری این کیفیت کلیدی در فضاهای شهری می داند. همان گونه که در مساله بهداشت و درمان اجتماعات انسانی موضوع پیشگیری از بیماری ها مقدم بر درمان آنها می باشد و این مطلب به عنوان یک اصل ریشه ای پذیرفته شده است، در خصوص جرائم شهری نیز بدین گونه است یعنی جلوگیری و پیشگیری کردن از وقوع جرایم مقدم بر تمامی اقداماتی است که دولت و دستگاه های قضایی و انتظامی یک کشور طی سلسله اقداماتی پر هزینه انجام می دهند تا فرد مجرم را مجازات و تنبیه کنند. به طور کلی دو رویکرد پیشگیری از جرم در میان نظریه پردازان رایج است. رویکرد نخست، رویکرد غیرمکانی است که به کاهش و یا از بین بردن انگیزه های شخصی ارتکاب جرم از طریق آموزش های اخلاقی، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، وضع قوانین و جریمه اشاره دارد. این رویکرد در برخی منابع رویکرد اجتماعی نیز نامیده شده است. رویکرد دیگر رویکرد مکانی (موضعی) است که هدف اصلی آن سخت تر کردن امکان ارتکاب جرم بوسیله کاربرد تکنیک هایی خاص در مکانی مشخص می باشد. این مقاله ضمن بررسی مناقشات نظری پیرامون این دو رویکرد، اختلافات موجود بین نظریه پردازان هر رویکرد را نیز مورد بررسی قرار می دهد. در پایان نیز به جمع بندی آرای این نظریه پردازان پیرامون امنیت و روش های پیشگیری از جرم و همچنین علت اساسی این مناقشات و اختلاف نظرها پرداخته شده است. به طور کلی با توجه به تمام نظریه پردازی های صورت گرفته پیرامون «ارتقای احساس امنیت» می توان گفت از طریق طراحی کالبدی تا حد زیادی می توان جرائم را در فضاهای شهری کاهش داد. البته در این راستا دو نکته مهم حائز اهمیت است: نخست آنکه، کیفیت های طراحی شهری به تنهایی ظاهر و ایجاد نمی شوند، بلکه این کیفیت ها هم زمان و مکمل هم بوده، روابط پیچیده ای با هم دارند و ایجاد احساس امنیت در فضا نیازمند ارتقای سایر کیفیت های طراحی شهری مانند احساس تعلق است که حضور شهروندان را در فضا تشویق نماید. از سوی دیگر باید در نظر داشت که اتخاذ روش و تکنیک مناسب برای پیش گیری از جرم به درک عمیق زمینه محلی نیاز دارد. در مکانی خلوت و به اصطلاح سوت و کور ممکن است ایجاد سرزندگی برای جلب افراد، نظارت طبیعی آنها و کاهش امکان وقوع جرم مفید به نظر رسد، ولی

این سرزندگی اگر از حد خاصی تجاوز نماید، موجب آشفتنگی محیط شده و با افزایش امکان ارتکاب جرم امنیت را کاهش می دهد. به تعبیر دیگر نیازها و خواسته‌های روزافزون مردم برای مسکن، غذا و ازدواج و نیازهای روزافزون روانی و اجتماعی و مطالبات سیاسی آنان، وقوع کنش‌ها و تجمعات اعتراض‌آمیز را ناگزیر ساخته است. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، افزایش ناراضی ناشی از احساس محرومیت نسبی موجب برانگیخته شدن توده‌های مختلف مردم برای راه‌اندازی کنش‌های خشونت‌آمیز شده می‌دانند (امیری و نفاوی، ۱۳۹۵: ۶۲).

بدین‌سان، در این پژوهش تلاش شد که با اتخاذ رویکردی بین رشته‌ای و بهره‌گیری از نظریه سیستمی در علوم سیاسی، موضوع پیشگیری از جرایم با نگاهی جدید واکاوی شود. از این رو، از منظر سیستمی تلاش شد که رویکردهایی همچون برقراری ارتباط دوسویه و همکاری‌جویانه بین جامعه (رسانه‌ها، افکار عمومی، نهادهای مدنی و غیره) و حکومت و نهادهای قضایی و حقوقی، رویکردهای فرهنگی - اجتماعی و نیز حقوقی و راهکارهایی برای پیشگیری از جرایم ارائه شوند که عبارتند از: استفاده از ظرفیت‌ها، تعهدات و مشارکت نخبگان، جامعه مدنی و رسانه‌ها، پشتوانه افکار عمومی و وجدان بیدار جامعه در پیشگیری از جرایم، تقویت رویکرد ارتباطی و اطلاعاتی نهاد قضایی با جامعه و کنشگران اجتماعی در شناخت، تصمیم‌سازی، نظارت و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه در کنار ایجاد تمهیدات حقوقی مؤثر و جدید در پیشگیری از جرایم. در مجموع، نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که با وجود تمهیدات حقوقی و ظرفیت‌سازی‌های نهادی جدید، هنوز نظام قضایی در پیشگیری از جرایم از موفقیت کامل برخوردار نبوده است. تحقق این هدف مستلزم استفاده از راهبردهای سیستمی و ارتباطی این تحقیق و نیز راهبردهای امنیتی و اقتصادی برای خشکاندن بسترهای جرم‌زا و همچنین راهبردهایی دیگر است که مستلزم پژوهشی دیگر هستند. (هندیانی و قاسم‌لو، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

ناآرامی‌های اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی حوزه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی محسوب می‌شود. موضوع یاد شده از اوایل قرن بیستم مورد توجه صاحب‌نظران شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی واقع شده است لکن در کشور ایران از سال‌های گذشته تاکنون بجز چند مورد محدود، توجه چندان به موضوع و بررسی علمی اعتراضات، ناآرامی‌ها و خشونت‌های اجتماعی نشده است (گودرزی، ۱۳۹۱: ۷۳). به عملکرد پلیس در کنترل ناآرامی‌های اجتماعی همواره توجه شده است یا به عبارتی مدیریت بحران این سازمان که مسئولیت آرامش و امنیت جامعه را به عهده دارد، در مواجهه با ناآرامی‌ها نقد و بررسی حاکمیت و مردم را می‌طلبد.

جوامع مختلف تحت تاثیر تحولات بسیار عظیم علمی و تکنولوژیک به سمت جامعه اطلاعاتی یا جامعه شبکه‌ای در حال حرکت هستند. جامعه شبکه‌ای، جامعه‌ای است که ساختار آن متأثر از فناوری است. در جامعه شبکه‌ای، جوامع با چالش‌هایی چون نابرابری اجتماعی، هویت‌های جدید، تمایزپذیری و شالوده‌شکنی نهادهایی نظیر دولت و فرصت‌هایی چون نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در پژوهش، خلاقیت، تعامل و هم‌زیستی جهانی، شکل‌گیری هویت سیال و غیره روبه‌رو شده‌اند. به‌علت وجود این چالش‌ها انسجام اجتماعی و هویتی در جامعه اطلاعاتی و به خصوص در

کشورهای در حال توسعه مانند ایران متزلزل شده است. فرآیند جهانی شدن با گسترش قلمرو روابط زندگی اجتماعی دنیای اجتماعی افراد را بسیار بزرگ‌تر می‌کند و احساس کنترل‌ناپذیر شدن چنین دنیایی را در آنها به وجود می‌آورد (معمار و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

### ضرورت و اهمیت تحقیق

ناآرامی‌های اجتماعی و پدیده‌های آن همواره یکی از دغدغه‌های مسئولین امنیتی و انتظامی کشور در سطوح مختلف می‌باشد و بر اساس اسناد بالادستی، تجارب داخلی و خارجی و شناخت ماهیت این‌گونه اعتراضات، رویکردها و شیوه‌هایی برای پیشگیری از بروز اعتراضات اجتماعی با در نظر گرفتن حداقل هزینه‌ها صورت گرفته است. اما با وجود سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و روش‌های اقدام تاکنون بررسی علمی در خصوص تعیین الگوی متناسب با وضع کشور در پیشگیری از چنین پدیده‌هایی صورت نگرفته است. (معظمی، ۱۳۹۶: ۹۸).

در جامعه ایران نیز جرایم تا حدّ درخور توجهی گسترش یافته‌اند. این پدیده به مثابه مسئله‌ای مهم توان و ظرفیت‌های کنترلی حکومت را به چالش کشیده است. در همین ارتباط، معاون وقت راهبردی قوه قضائیه در دی ماه ۱۳۹۳ چنین گفته است: «گزارش‌های ناجا یکی از شاخص‌های سنجش ماست و این گزارش‌ها حاکی از نابسامانی در کشور است. شاخص دیگر، وضعیت پرونده‌ها در دستگاه قضایی است. با رشد تصاعدی در پرونده‌ها روبرو بوده‌ایم که این موضوع هشداردهنده است». (درگاه تخصصی چشم‌انداز ۱۴۰۴). شاخص دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد گزارش‌هایی است که نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور ارائه می‌کنند؛ این گزارش‌ها نیز در شأن جامعه ما نیست. برخی از این گزارش‌ها که مربوط به پرونده‌های فساد هستند نشان می‌دهند که وضع جامعه ما مطلوب نیست. در چند دهه اخیر، در پاسخ به این پدیده رو به گسترش، تا حدّی دستگاه قضایی و نیز پلیس به سمت رویکردهای اصلاحی در عرصه‌های نهادی، روشی و تقنینی گرایش پیدا کرده‌اند و به تدریج اندیشه و راهبردهای پیشگیری اجتماعی در این دو نهاد مهم گسترش یافته‌اند. مسئله مهم آن است که با وجود تحولات و رویکردهای اصلاحی و تخصصی‌تر شدن نهادها، جرم در جامعه ما کاهش نیافته است. مسئله مهم این تحقیق آن است که «مدل و الگوی نظری سیستمی» - که در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی مطرح است - تا چه اندازه در راهکاری برای دستگاه قضایی و پلیس در ارتباط با پیشگیری از جرم، از ظرفیت و تاثیرگذاری برخوردار است؟

اما منظور از قید واژه «واکاوی» در عنوان تحقیق، نفی و انکار مطالعات انجام‌شده پیشین نیست، بلکه هدف در این نوشتار آن است که از منظری جدید و با رویکردی بین رشته‌ای به موضوع پیشگیری از جرم پرداخته شود. در این نوشتار، استفاده از ظرفیت‌های جامعه و کنشگران اجتماعی، در قالب پیشگیری اجتماعی، در چارچوب نظریه و مدل سیستمی در علوم سیاسی مورد توجه بوده است. از آنجا که حقوق جزا و دیگر زیرمجموعه‌های حقوق در ذیل مجموعه علوم اجتماعی قرار می‌گیرند و جنبه بین رشته‌ای می‌یابند، در این نوشتار، باور بر آن است که

پیشگیری از جرم نمی‌تواند تنها با استفاده از ظرفیت‌ها و تمهیدات نظری این رشته حاصل شود؛ تحقق این امر نیازمند استفاده از ظرفیت‌ها و تمهیدات نظری و راهبردی دیگر رشته‌ها از جمله علوم سیاسی و اجتماعی است. نگارنده منکر وجود تعداد درخور توجهی از مقالات با رویکرد فرهنگی و اجتماعی در خصوص پیشگیری از جرم نیست. از این رو، منظور از اطلاق عنوان «واکوی» عمدتاً نگاه دوباره به موضوع پیشگیری از جرم با تمرکز بر استفاده از راهکارهای ارتباطی، شناختی و فرهنگی - اجتماعی به مثابه مکمل و بازوی مشورتی برای دستگاه قضایی است؛ این رویکرد از جهت شناخت ریشه‌های جرم و نیز افشاء و بالا بردن هزینه‌های اجتماعی ارتکاب جرم در جامعه ایران توجیه می‌شود. (رضائیان، ۱۳۸۸: ۳۲).

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مسئول برقراری امنیت عمومی و آسایش و آرامش در سطح جامعه می‌باشد و پیشگیری از ناآرامی‌ها و اغتشاشات اجتماعی، یکی از عوامل اساسی و بنیادی در بسترسازی امنیت به‌شمار می‌رود. پیشگیری از ناآرامی، نقش اساسی و مهم در بسترسازی امنیت و مقابله با اغتشاشات شهری دارد و از این جهت وظیفه سازمان‌ها و نهادهای تامین امنیت و نیروی انتظامی بسیار حساس و مهم است. همین سبب مطالعه و تحقیق در این خصوص دارای ضرورت و اهمیت فراوان است که می‌تواند بر عملکرد و تحقق اهداف و ماموریت‌های سازمان پلیس و خصوصاً یگان ویژه ناجا تاثیر بسزایی داشته باشد. به همین اساس مقاله حاضر به مطالعه، سنجش و رتبه‌بندی مولفه‌های مدیریت پیشگیری از اغتشاشات اجتماعی با اهداف زیر می‌پردازد:

- شناسایی عوامل و مولفه‌های مدیریتی در پیشگیری از اغتشاشات اجتماعی؛
- بررسی، سنجش و رتبه‌بندی مولفه‌های مدیریت پیشگیری از اغتشاشات اجتماعی.

### پیشینه و سوابق تحقیق

۱- ثریا معمار؛ صمد عدلی پور و فائزه خاکسار (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان: «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران) یافته‌های پژوهش را منتشر نموده‌اند:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به‌وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی‌های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند.

۲- جانسون بر این عقیده است که هرگونه ناهماهنگی بین ارزش‌ها و محیط در نهایت خشونت اجتماعی را سبب می‌شود. به عقیده جانسون ارزش‌ها و تقسیم کار دو عامل مستقل در تعیین شرایط اجتماعی هستند و هر گاه ارزش‌های اجتماعی و محیط یا ساختارهای اجتماعی با هم

ناسازگاری جدی پیدا کنند، شرایط انقلابی (ناآرامی) در جامعه حاکم خواهد شد. او در نهایت منبع تغییر را برای بر هم خوردن تعادل بین ارزش‌ها و ساختارها و بروز ناآرامی‌های اجتماعی به شکل زیر مطرح می‌کند. اسملسر نیز نظریه‌پرداز انواع رفتار جمعی است که با استفاده از نظریه پارسونز به تشریح اجزاء کنش اجتماعی یعنی ارزش‌ها، هنجارها، بسیج انگیزه‌ها در کنش پرداخته و نظریه ارزش افزوده رفتار جمعی را ارائه کرده است. اسملسر معتقد است رفتار جمعی همانند سایر کنش‌های اجتماعی، چهار جزء دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. اجزاء کنش اجتماعی را شامل ارزش‌ها، هنجارها، بسیج انگیزه در کنش سازمان‌یافته و امکانات موقعیتی می‌داند. او معتقد است رفتار جمعی می‌تواند در بردارنده چهار صفت باشد (گودرزی، ۱۳۹۱): نهادینه نشده باشد، کنش جمعی باشد؛ به‌منظور ایجاد تغییر در شرایط فشار باشد، بر پایه بازسازی از عام به خاص جزئی از کنش باشد. (معظمی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

۳- بدری و خوش نیت طی پژوهشی با عنوان "رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی" (CPTED) به این جمع بندی می‌رسند که: یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است و یکی از مهم ترین رویکردها در جلوگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت محیطی، رویکرد CPTED است.

## مبانی نظری

### جرم

نگرش‌های ضد و نقیضی درباره جرم وجود دارد. این نیز بدان سبب است که جرم همواره از تعریفی اجتماعی برخوردار بوده است. البته این ویژگی، می‌تواند مناقشاتی را نیز در پی داشته باشد؛ از جمله آنکه آیا همواره باید قانون، جرم را تعریف کند؟ یا اینکه می‌توان و یا باید جرم را بر تکیه بر مفاهیمی اخلاقی و اجتماعی مانند زیان اجتماعی تعریف نمود در اینجا توجه به فیلم فهرست شیندلر می‌تواند نمایی از مشکلات موجود در خصوص تعریف‌های جرم را به دست دهد. در این فیلم شیندلر، قوانین رژیم نازی را برای یاری رساندن به یهودیان، زیر پا می‌گذارد. اما سوال اینجاست که آیا او واقعاً مجرم است؟ البته این پرسش، پرسش‌های دیگری را نیز در پی خود دارد، پرسش‌های از قبیل که: چه کسی قانون را تعیین می‌کند؟ در مورد نمونه‌هایی مشابه آن در زندگی روزمره، چه می‌توان گفت؟ سبب این امر هم آن است که نظام‌های غیرعادلانه در جهان وجود دارد و به همین شکل، این احتمال نیز بسیار جدی است که بسیاری از تعاریف قانونی جرم، می‌تواند بر اموری کاملاً خدشه‌پذیر و غیرعادلانه یا غیرمنصفانه استوار باشد گیرند (wells 2001: 16-17) در این خصوص، جرایم ناشی از تخلفات رانندگی به جرایمی می‌پردازد که در اثر تخلف از مقررات مربوط به رانندگی حادث می‌شود. لازم به ذکر است که جرم مذکور در این جرایم ناشی از تقصیر مرتکب است که بر اثر تخلف از مقررات حاصل شده است. لذا هر چند ماهیت جرم ارتكابی از موارد خطای محض نیز باشد، به سبب وجود تقصیر، از جرایم شبه عمد محسوب شده و مجازات آن را دارد. غالب موارد این قبیل جرایم، معمولاً تحت مباحث جرایم علیه اشخاص در منابع

حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. فصل ۲۹ قانون مجازات اسلامی جرایمی را تحت عنوان «جرایم ناشی از تخلفات رانندگی» جرم‌انگاری نموده است. مواد ۷۱۴ تا ۷۲۵ از این فصل پیرامون این جرایم می‌باشد. جرایم ناشی از رانندگی، هم واجد جنبه خصوصی، و هم واجد جنبه عمومی می‌باشند. در اینگونه جرایم صرفنظر از شکایت خصوصی تعقیب قضیه بر عهده رئیس حوزه قضایی است. بنابراین چنانچه مصدوم احتیاج به کمک داشته و در بیمارستان در اغماء فرو رود و قادر به ادای توضیح یا طرح شکایت نباشد این وضعیت مانع از تعقیب امر توسط رئیس حوزه قضایی نخواهد بود دعوی مطالبه دیه پس از روشن شدن وضعیت مصدوم نیز قابل پذیرش و رسیدگی است. (عبداللهی ۱۳۸۹: ۱۴۷).

**جرایم ناشی از تخلفات رانندگی را به لحاظ درجه اهمیت، می‌توان به دو بخش عمده زیر تقسیم نمود:**

#### جنایات ناشی از تخلفات رانندگی

عنصر قانونی: قانونگذار در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۷ از قانون مجازات اسلامی به جنایات ناشی از تخلفات رانندگی می‌پردازد. هر چند قانونگذار در مواد فوق منحصرأً به شرح قتل و سایر صدمات غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی پرداخته است، ولی بدان معنا نیست که ارتکاب سایر جنایات (عمد، شبیه عمد و خطای محض) از طریق تخلفات رانندگی منتفی است. در حقیقت، اختصاص مواد مذکور به جنایات غیر عمدی بدین سبب است که، اکثر قریب به اتفاق جرایم ناشی از تخلفات رانندگی به صورت غیر عمدی واقع می‌شود. جرایم مذکور در مواد مذکور همگی از نوع جنایات غیر عمدی هستند که از قتل آغاز، و به صدمات بدنی خفیف خاتمه می‌یابد. ارکان مادی و معنوی همه جنایات‌های مذکور یکسان‌اند و تفاوت آن‌ها در نتایج مجرمانه و مجازات‌های مقرر است (برای مطالعه بیشتر ر.ک Moore 1985: 23).

عنصر مادی: «رانندگی یا تصدی وسیله موتوری به گونه‌ای که به یکی از صدمات مذکور در قانون منتهی شود»، عنصر مادی جرایم مورد بحث است. بدین ترتیب عمل فیزیکی در این جرایم عبارتست از رانندگی یا تصدی و مهمترین شرط لازم برای تحقق این جرم، وسیله موتوری محسوب شدن آن چه رانده یا هدایت می‌شود و نتیجه لازم برای وقوع جرم، بروز یکی از صدمات مذکور در قانون است. لذا چنان چه صدمات حاصله قتل باشد، مجازات مذکور در ماده ۷۱۴ اجرا خواهد شد. هرگاه صدمه حاصله مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد، و یا موجب از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد شود یا سبب تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین گردد؛ مرتکب به موجب ماده ۷۱۵ ق.م.ا. مجازات خواهد شد. در صورتی که عمل راننده یا متصدی موجب بروز صدمات خفیف‌تر، یعنی نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود؛ طبق ماده ۷۱۶ این قانون مجازات خواهد شد. در نهایت،

هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود، مرتکب به موجب ماده ۷۱۷ ق.م.ا. مجازات خواهد شد. بنابراین جرایم ناشی از رانندگی جز جرایم مقید است چرا که حصول نتیجه مجرمانه مقید به سلب حیات یا وارد شدن صدمه شده است

## انواع پیشگیری

### پیشگیری کیفی

اولین واکنش که در جوامع بشری در برخورد با پدیده بزهکاری بدان دست زده‌اند مبارزه سرکوبگرانه بود که مدت‌ها به عنوان تنها روش مبارزه علیه جرم تلقی می‌شد. پیشگیری کیفی در جرم شناسی، حول محوریت فرد قرار دارد و از منظر تأدیبی و اخلاقی با پدیده جرم برخورد می‌کند. به جای دغدغه خاطر و نگرانی در مورد حمایت از حقوق بشر، مبارزه با پدیده تروریسم و جرایم سازمان یافته و بزهکاری به هر وسیله ممکن مورد توجه قرار گرفته است. مدافعین این تفکر در کشورهای قدرتمند سعی در جهانی نمودن این نگاه و ترویج خشونت دفاعی در مقابل جرم قطع نظر از علل و ریشه‌های آن دادند (Jefferson 2001: 203)

این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود.

الف. پیشگیری واکنشی عام: پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. در پیشگیری عام، اقدام علیه عوامل عمومی بزهکاری مورد توجه است. بدیهی است در این نوع پیشگیری، نهادهای مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه و ... نقش عمده ای دارند (میرزایی مطلق، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

ب. پیشگیری واکنشی خاص: یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است (یوسفیان شوره‌دلی ۱۳۹۰: ۳۸۷).

در این نوع پیشگیری سعی می‌شود با تحمیل مجازات بر مجرم و تنبیه او و رنج و سختی حاصل از مجازات، از ارتکاب مجدد همان جرم یا جرایم دیگر، اجتناب گردد. بنابراین جلوگیری از تکرار جرم و ترس در کسانی که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند مهمترین هدف در پیشگیری خاص می‌باشد (Safwat 2005: 113 & Beale).

در مجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفی مدنظر است، به شرح ذیل می‌باشد:  
الف) اصلاح بزهکار از طریق تعلیم و تربیت جسمی، فکری و روانی با به کار گرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات، سلب آزادی و نگهداری بزهکار در محیط‌های نیمه باز، باز و آزادی مشروط.

ب) حمایت جامعه از دو طریق:

۱. تعلیم و تربیت بزهکار برای زندگی مجدد در جامعه، ضمن اعمال مجازات‌های سلب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی.



۲. طرد بزهکار از زندگی در اجتماع، ضمن اعمال مجازات‌های حبس دائم، حبس‌های طولی‌المدت و تبعید.

ج) ارباب بزهکار (پیشگیری فردی): ضمن اعمال کیفی‌هایی از قبیل جزای نقدی و مجازات‌های سالب آزادی.

د) ارباب دیگران (پیشگیری عمومی): با اعمال مجازات‌های طردکننده از اجتماع نسبت به بزهکار از قبیل کیفی‌هایی چون حبس دائم و تبعید و... (قنواتی خلف‌آبادی ۱۳۸۰: ۴۲).

### پیشگیری غیرکیفری

پیشگیری غیرکیفری عبارت است از جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع احوال خاصی است که یک سلسله جرائم مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن احوال ارتکاب یابد. به عبارت دیگر پیشگیری غیرکیفری درصدد است علل و عوامل و ریشه‌های زمینه‌ساز بروز جرایم و بزهکاری را از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد به طوری که انسان‌هایی پرورش یابند که از مجرمیت به دور باشند. در این نوع پیشگیری توجه به عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... که باعث سوق دادن فرد به سوی بزهکاری می‌شوند، دارای اهمیت فراوان است (Beale 2009: 16-19) پیشگیری غیرکیفری به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

### پیشگیری وضعی

نخستین تعریف پیشگیری وضعی، توسط کلارک صورت گرفته است. در این تعریف، پیشگیری وضعی عبارت است از: «اقدامات معطوف به اشکال بسیار خاص جرم که متضمن مدیریت، طراحی یا دست کاری محیط بطور مستقیم، نظام‌مند و دائمی به منظور کاستن از فرصت‌های جرم است. به طوری که توسط اکثریت مجرمان ادراک و فهم شود (Jefferson ۲۰۰۱: ۲۳۲)»؛

این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه‌تر شدن اعمال مجرمانه می‌شود همراه است ((Tarelli 2004: 3-5)). پیشگیری وضعی شامل: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل: تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب ناپذیر بوده و یا رفع آنها هزینه‌های غیر قابل تحملی را تحمیل می‌کند، می‌باشد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که

فرآیند آن‌ها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آنها، به دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید. بنابراین پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (کلارکسون ۱۳۹۰: ۲۳۲).

لکن در سال‌های اخیر، نظریه مسئولیت کارفرما هم مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که قوانین تازه‌ای وضع شدند که فقدان نظارت و پیشگیری کافی از صدمات جانی را موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌دانند، به علاوه بر اساس نظریه مسئولیت ناشی از عمل دیگری، هر یک از کارکنان شخص حقوقی در هر درجه‌ای که باشند اگر مرتکب بعضی جرایم مادی صرف شوند، مسئولیت شخص حقوقی را به دنبال می‌آورند

در ایالات متحده آمریکا، مسئله متفاوت است؛ بدین ترتیب که طبق حقوق فدرال، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در تمامی موارد بر اساس نظریه مسئولیت کارفرما است. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به شدت گسترش یافته است و در موارد زیادی عمل مجرمانه تمامی کارکنان و مقامات اشخاص حقوقی (هرچند در رده‌های پایین سازمان قرار داشته باشند) به شرط این که واقعاً یا ظاهراً در مقام انجام وظیفه برای شخص حقوقی و حداقل تا حدی به قصد تأمین منافع آن ارتکاب یابد، حتی اگر با سیاست کلی شخص حقوقی مغایرت داشته باشد، به نام شخص حقوقی گذاشته می‌شود و مسئولیت کیفری آن را به دنبال دارد. (روح‌الامینی ۱۳۸۷: ۱۴۵)؛ در ایالات متحده حتی اگر مدیران شخص حقوقی تدابیر لازم و متعارف برای پیشگیری از جرم را اتخاذ کرده باشند، از مسئولیت کیفری معاف نمی‌شوند این گونه افراط در توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عواقب سوئی دارد؛ بدین نحو که چون اشخاص حقوقی هیچ‌گونه راه دفاعی در برابر اتهامات ندارند، مجبورند در برابر دادستانی حتی اتهامات بی‌اساس را هم پذیرفته و اقرار به ارتکاب جرم کنند و این موجب دلسردی آن‌ها برای ادامه فعالیت شده و به مرور رونق تولید را از بین می‌برد. (قنواتی خلف‌آبادی ۱۳۸۰: ۲۲).

## هویت اجتماعی

مفهوم هویت در جامعه‌شناسی مفهومی چندبُعدی است و می‌توان به چند طریق درباره آن بحث کرد. به بیان کلی، هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است، مربوط می‌شود. جامعه‌شناسان اغلب از دو نوع هویت سخن می‌گویند:

۱- هویت اجتماعی؛

۲- هویت شخصی.

این شکل‌های هویت فقط از نظر تحلیلی از هم جدا و متمایز می‌شوند، اما در واقع پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هویت اجتماعی به معنای ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت

داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است. در عین حال، این ویژگی‌ها شخص مذکور را به افراد دیگری مربوط می‌کند که همین خصوصیات و کیفیات را دارند. هم‌چنین هویت‌های اجتماعی بُعد جمعی دارند. آن‌ها مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر «شبيه» دیگران هستند. اگر هویت‌های اجتماعی نشان‌دهنده شیوه‌های همسانی افراد با دیگران هستند، هویت شخصی، ما را به‌عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند. هویت شخصی به معنای رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن ما معنای یگانه و منحصر به‌فردی از خویش‌نمان و مناسبت‌مان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۶).

به‌نظر رابرت گر (۱۹۹۵)، نارضایتی و محرومیت اغلب وضعیت‌های روانی مختلفی نظیر ناکامی، از خود بیگانگی و تعارض بین وسیله و هدف را موجب می‌شوند. رابرت گر معتقد است گسترش و استمرار اعتراضات اجتماعی نه تنها مستلزم وجود احساس محرومیت در گروه‌های زیادی از مردم است، بلکه به وجود شرایط دیگری نیز بستگی دارد که این شرایط و وضعیت‌ها عبارتند از:

- ۱- یافتن یک عامل حکومتی و سیاسی برای آنکه نارضایتی معطوف به آن گردد؛
- ۲- سازمان یافتن ناراضیان و معترضان؛
- ۳- توافق ضمنی ناراضیان بر سر اهداف نانوشته؛
- ۴- فرصت‌ها و شرایطی که امکان بروز نارضایتی را فراهم آورد (الیاسی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

### ضوابط خاص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

آنچه در شماره قبل گفته شد حدودی بود که برای مسئولیت کیفری کلیه اشخاص حقوقی لازم‌الرعایه بود؛ لکن ضوابطی هم هست که تنها مخصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی است.

محدوده زمانی که اشخاص حقوقی در آن مسئولیت کیفری دارند، یکی از این ضوابط است. این موضوع در مورد تمامی اشخاص حقوقی کاربرد نداشته و صرفاً بر شرکت‌های تجاری که اهداف سودجویانه دارند و توسط مؤسسين تأسیس می‌شوند و باید مراحل و تشریفات مربوط به تشکیل شرکت را رعایت کنند و نیز هنگام انحلال مرحله تصفیه را سپری کنند، صدق می‌کند؛ زیرا شرکت در این دو مقطع زمانی یعنی در دوران تشکیل و بعد از انحلال (در زمان تصفیه) یا فاقد شخصیت حقوقی است یا شخصیت حقوقی کاملی ندارد. هم‌چنین وضعیت مواردی مانند ادغام یا تبدیل شرکت یا وضعیت شرکت‌های فرعی، محل تردید است که نیاز به بررسی دارد. در این شماره تلاش خواهد شد تمامی این موارد ذیل سه شماره، مورد بررسی قرار گیرد.

### مسئولیت کیفری پیش از تشکیل شرکت

قانون تجارت زمان ایجاد شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را معین نکرده است؛ لکن این شرکت‌ها از تاریخی دارای شخصیت حقوقی خواهند بود که ایجاد و به عبارت مقنن تشکیل شده

باشند. مسئولیت اعمالی که قبل از تشکیل شرکت، توسط مؤسسين شرکت که نمایندگی شخص حقوقی در حال تشکیل را بر عهده دارند، تحت پوشش شخص حقوقی انجام می‌شود، پس از اتمام مراحل تشکیل شرکت و ایجاد شخصیت حقوقی، به عهده شخص حقوقی محول می‌گردد؛ به عنوان مثال اگر مؤسسين به اسم شرکت در حال تشکیل معامله‌ای را انجام دهند یا تعهدی قبول نمایند، شرکت پس از تشکیل، آن معامله یا تعهد را به عهده گرفته و مسئولیت‌های تجاری و مدنی آن به شخص حقوقی قابل انتساب است. حال فرض بگیریم معامله‌ای که انجام شده یا تعهدی که مورد قبول قرار گرفته همراه با عمل مجرمانه باشد، آیا مسئولیت کیفری آن هم به شخص حقوقی قابل انتساب هست یا فقط مؤسسين مسئولیت کیفری خواهند داشت؟ به این سؤال پاسخ‌های متفاوتی می‌توان داد:

۱. نمی‌توان مقررات و راه‌حل‌های رشته‌های دیگر حقوق را به حقوق جزا تسری داد (اصل استقلال حقوق جزا) و بر اساس آن مسئولیت کیفری مقرر داشت. این که پس از تشکیل شرکت، تعهدات مدنی و تجاری اعمالی که در زمان تشکیل آن توسط مؤسسين انجام شده است به شخص حقوقی سرایت می‌کند دلیل بر آن نمی‌شود که مسئولیت کیفری آن تعهدات را نیز قابل سرایت به شخص حقوقی تازه تأسیس بدانیم. اصول تفسیر قوانین کیفری هم اجازه این گونه تفسیر موسع قوانین را به ما نمی‌دهد.

۲. پس از تشکیل شرکت و هنگامی که شرکت تعهد انجام شده در حین تأسیس را با علم به مجرمانه بودن آن بر عهده می‌گیرد، می‌توان مسئولیت کیفری را قابل انتساب به شرکت دانست و در واقع خود شرکت است که با پذیرش عالمانه تعهد مزبور مرتکب جرم شده است. در این زمینه تفاوتی میان مسئولیت مدنی و تجاری با مسئولیت کیفری وجود ندارد.

۳. پاسخ دیگر این است که چنانچه قاضی جزایی در حین رسیدگی به پرونده، شخصیت حقوقی شرکت را احراز کند، می‌تواند مسئولیت کیفری اعمال انجام شده را برای شخص حقوقی مقرر بدارد. با توجه به استقلال حقوق جزا از سایر رشته‌ها، قاضی جزایی الزامی به پیروی از قواعد سایر رشته‌های حقوق ندارد (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸: ۹۵). قاضی جزایی باید به صورت دقیق بررسی کند و در صورت لزوم مسئولیت را به زمان انجام عمل مجرمانه هم سرایت دهد.

نگارنده معتقد است که پاسخ اول با توجه به استدلال‌ات ذکر شده و مبانی و اصول حقوق جزا، منطقی‌تر می‌نماید؛ زیرا در زمان انجام تعهد یا عمل مجرمانه، تمامی ارکان جرم محقق بوده و جرم به وقوع پیوسته، در حالی که شخصیت حقوقی شرکت در آن زمان شکل نگرفته است و در زمانی که شخصیت حقوقی شرکت شکل می‌گیرد، دیگر عملی انجام نمی‌شود و نمی‌توان شخصیت حقوقی شکل گرفته را عطف بماسبق کرد. باین وجود ابهام موجود در ماده راه را بر صدور احکام متناقض باز می‌گذارد و جا دارد که قانون‌گذار وارد میدان شده و ابهامات موجود در ماده را برطرف نماید.

### نتیجه‌گیری

یکی از عواملی که در پیش‌گیری و یا کاهش جرم اجتماعی، تأثیر بسزایی دارد، دین‌داری و ایمان به خداوند است. "هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان، همسایگان و دیگران است، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر، کارهای وی را کنترل نمی‌کند، بلکه در این حالت، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان‌ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می‌دهد و بدی و گناه را مجازات می‌کند." نویسنده دیگری در این باره می‌نویسد: "پرورش درست مذهبی که بر مبنای علمی استوار باشد و داشتن ایمان کامل، بزرگ‌ترین عامل بازدارنده جنایی است." همچنین فروید و رایزمن معتقدند: "عواملی وجود دارند که انسان را به طور درونی از کارهای نامشروع و خلاف باز می‌دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل دین است. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان‌ها آنها را از انجام دادن کارهای خلاف و نامشروع باز می‌دارد و سبب می‌شود که آدمیان خود را از لحاظ درونی کنترل کنند."

همین طور که می‌دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات هستند. به گونه‌ای که هرچه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته می‌شود. از بعد دیگر می‌توان بیان کرد که هرچه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است، بالاتر رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می‌شود به عنوان مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرائم اینترنتی می‌شوند. بنابراین، بطور حتم نمی‌توان بیان داشت که افزایش سطح آموزش علمی می‌تواند به کاهش میزان جرم منجر شود، بنابراین می‌توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم پوشانی کرد به گونه‌ای که با افزایش آموزشهای فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزشهای عملی می‌توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست. همچنین به لحاظ اقتصادی می‌توان ادعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد.

## منابع و مراجع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استونر، جیمزای. اف، فریمن، آر. ادوارد، گیلبرت، دانیال (۱۳۸۲). مدیریت (مقدمه‌ای بر مدیریت، مدیریت در قرن ۲۱)، ترجمه علی پارسیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اسلامی، مجتبی و درجانی، حسین (۱۳۸۸). امنیت در اسلام (مبانی و قالب‌های فکری)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). ساخت دولتی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۳.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸). مدیریت بحران، جلد یک، انتشارات معاونت آموزش ناجا، اداره کل متون درسی.
- امیری، ابوالفضل و نفاوی، حمید (۱۳۹۵). عملیات روانی و تأثیر آن بر اغتشاشات شهری، فصلنامه مدیریت بحران، سال هفتم، شماره ۲۷.
- پورنقدی، بهزاد (۱۳۹۷). فرصت‌ها و تهدیدهای امنیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های راهبردی مسایل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲.
- حسینی نژاد، حسین (۱۳۹۶). نقش گروه‌های مختلف اجتماعی در ناآرامی‌های اخیر، بصیرت. خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم، شماره هفتم و هشتم.
- رضائیان، علی (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ سیزدهم، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- روشن، علی اصغر و سعادت‌جعفرآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی نقش و کارکرد کنترل مرز استان خراسان رضوی با افغانستان و تأثیر آن بر امنیت استان، فصلنامه ژئوپلتیک، دوره ۸، شماره ۳ (پیاپی ۲۷).
- سلیمی، اکبر و باباپور سکه، محمد رضا و رضایی، نور محمد (۱۳۹۳). بررسی نظم و امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر کاشمر، تهران: فصل‌نامه نظم و امنیت اجتماعی.
- عزیزی، علی؛ خراشادی‌زاده، محمدرضا؛ هندیانی، عبدالله (۱۳۹۱). اولویت‌بندی معیارهای راهبردی امنیت عمومی، مطالعات مدیریت انتظامی، سال هفتم، شماره ۱.
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴). نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی، مجموعه مقالات همایشی امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، جلد سوم، تهران: انتشارات آسایش.

گودرزی، آیتاله (۱۳۹۱). ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرآیند آن، رساله دکترای تخصصی (PhD)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ ششم، تهران: نشر نی.  
ماندال، رابرت (۱۳۹۲). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ویرایش دوم، چاپ سوم، انتشارات آگاه.

مسعودی، عباس (۱۳۸۹). عملیات روانی و تأثیر آن بر مهار اغتشاشات شهری، دانش انتظامی کردستان، دوره اول، شماره ۳، صص ۶۵-۷۰.

معظمی، شهلا (۱۳۹۶). پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، سال اول، شماره اول.

معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۴.

میرحسینی، سید سیامک (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت عملیات یگان ویژه ناجا با ناآرامی‌های شهری، فصلنامه پلیس ویژه، دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۰۰-۱۱۶.

نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.  
هندیانی، عبدالله و قاسم لو، موسی (۱۳۹۵). نقش ارزش‌ها و هنجارهای ملی و اجتماعی در پیشگیری از تهدید نرم با رویکرد انتظامی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال اول، شماره دوم.

Al-Rodhan, N. (2009); The Three pillars of Sustainable National Security in a Transnational World, Geneva Centre for Security Policy.

Gadal Sébastien&Jeansoulin Robert, Borders, (2013) frontiers and limits: some.